

طراحی سازوکار ورود خمس و زکات به نظام مالیاتی ایران و آثار بالقوه اقتصادی آن^۱

احمد شعبانی*

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۴/۱۲

عبدالمحمد کاشیان**

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۰/۳۰

چکیده

ساختار فعلی نظام مالیات‌های متعارف و اسلامی در ایران، سبب ایجاد ناهمگونی‌ها و ناهماهنگی‌هایی در حوزه اجرایی شده است که از جمله آنها عبارت‌اند از: پرداخت‌های موازی و بعضاً چندگانه مالیات‌های متعارف و اسلامی توسط مردم، مخارج موازی و غیر هماهنگ دولت و مراجع معظم تقلید، کم توجهی بخشی از جامعه به پرداخت وجوهات شرعی و بخشی دیگر به مالیات، غفلت از دو منبع مهم از مالیات‌های اسلامی یعنی زکات و خمس در تأمین بودجه کشور به منظور کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و غفلت از ظرفیت‌های فرهنگی جامعه به منظور کاهش فرار مالیاتی. رسالت اصلی این تحقیق پاسخ به این سؤال است که سازوکار ورود خمس و زکات به نظام مالیاتی ایران، باید از چه الگویی پیروی نماید تا ناهمگونی‌ها و ناسازگاری‌های موجود در ساختار فعلی را مرتفع سازد؟ در واقع این تحقیق به دنبال آن است که ضمن ارائه تصویری روشن از ظرفیت بالقوه بالای خمس و زکات در ایران، سازوکاری را طراحی نموده است که به واسطه آن اولاً ساختاری منسجم، یکپارچه و سازگار برای نظام مالیات‌های اسلامی و متعارف ایجاد نماید، ثانیاً به واسطه این ساختار، مشکلات مربوط به ساختار فعلی را مرتفع نماید. این پژوهش ضمن نقد نگاه‌های رایج در این حوزه، سازوکاری را به صورت اکتشافی ارائه کرده است.

واژگان کلیدی

خمس، زکات، مالیات، یکپارچه‌سازی

طبقه‌بندی JEL: H21, H22

* دانشیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق(ع) (نویسنده مسئول) shksadeq@yahoo.com

** دانشجوی دکتری معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق(ع) a.m.kashian@gmail.com

مقدمه

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و تحقق حاکمیت نظام اسلامی، همراه با تغییر نگاه به اصلاح امور حکومتی و سیاستی، این انتظار به حق به وجود آمد که اهداف و مبانی اسلامی باید در تمام زمینه‌ها به خصوص در نظام‌سازی اقتصادی تحقق یابند. یکی از مشخصه‌های این جریان اصلاحی و به عبارت بهتر، نظام‌سازی در بستر الگوی پیشرفت اسلامی- ایرانی، اتخاذ نظامی برخوردار از مبانی و جهت‌گیری‌های اسلامی و درعین حال مطابق با ساختار فرهنگی و اجتماعی کشور است. این جریان اصلاحی در ترمیم برخی امور همچون بانکداری به دلایلی خاص با سرعت و شتاب بیشتری انجام گرفت. اما علی‌رغم سابقه بالای پرداخت عبادی، تکلیفی و حکومتی همچون خمس و زکات، خراج و جزیه در تاریخ اسلام، به نظر می‌رسد مجموعه دلایلی مانع از این شده تا حساسیتی که برای اصلاح امور بانکی و خدمات مالی پس از انقلاب پیش آمد، در مالیات رخ نداده و هیچ نوع مالیاتی در این سال‌ها قطع نظر از نرخ، شکل و پایه آن مورد جرح و تعدیل قرار نگیرد (موحدی و رضایی، ۱۳۹۱، ص ۲).

در حال حاضر ساختار فعلی نظام مالیات‌های متعارف و اسلامی در ایران، سبب ایجاد ناهمگونی‌ها و ناهماهنگی‌هایی در حوزه اجرایی شده است. از جمله مهمترین این ناسازگاری‌ها عبارتند از:

- ۱- پرداخت‌های موازی و بعضاً چندگانه مالیات‌های متعارف و اسلامی توسط مردم؛^۲
- ۲- مخارج موازی و غیر هماهنگ دولت و مراجع معظم تقلید ناشی از نداشتن سامانه اطلاعاتی مشترک؛
- ۳- کم توجهی بخشی از جامعه به پرداخت وجوهات شرعی به دلیل ساختار وضعیت فعلی؛

- ۴- غفلت از دو منبع مهم از منابع مالی اسلامی یعنی زکات و خمس در تأمین بودجه کشور؛
- ۵- غفلت از ظرفیت‌های فرهنگی جامعه به منظور کاهش فرار مالیاتی؛
- ۶- وجود توامان بهره مالکانه و خمس معادن و کاهش انگیزه پرداخت خمس و یا فرار از مالیات.

نشان خواهیم داد که علت اصلی این ناهماهنگی‌ها، ساختار موجود نظام مالیات‌های اسلامی و متعارف است که از قبل انقلاب به ارث رسیده است و تغییر چندانی در آن رخ نداده است و این تحقیق به دنبال آن است که با آسیب‌شناسی وضعیت موجود، الگویی جایگزین ارائه نماید تا ناهماهنگی‌ها و ناسازگاری‌هایی را که در ساختار فعلی وجود دارد برطرف نماید.

بر همین اساس سؤالات اصلی این تحقیق عبارت‌اند از:

۱. سازوکار ورود خمس و زکات به نظام مالیاتی کشور باید از چه الگویی پیروی نماید؟
۲. الگوی بهینه شیوه باز توزیع درآمدهای حاصل از خمس و زکات به همراه درآمدهای مالیاتی چگونه است؟

ماهیت فقهی و فلسفی مالیات‌های اسلامی و متعارف ایجاب می‌کند که ضمن بررسی‌های لازم در حوزه‌های فقهی و فلسفی، پیش‌فرض‌های اساسی تحقیق حاضر را بیان نماییم. به همین دلیل سعی شده است از روش اسنادی- کتابخانه‌ای و بر اساس سازوکاری که در طول تحقیق به آن‌ها اشاره خواهد شد، به سؤالات فوق پاسخ دهیم. از آنجا که در مجموعه مباحث فقهی مورد نیاز در این بحث، فقهای بسیاری صاحب‌نظر هستند و وجود اختلاف آراء فقهی سبب شده است که نظریه‌پردازی در این حوزه با مشکلاتی همراه باشد، با توجه به شأن حاکمیتی ولی فقیه و لزوم تبعیت ارکان حکومت

از این مقام، نظرات فقهی امام خمینی (ره) به عنوان مبانی فقهی مورد نظر قرار خواهند گرفت. بر همین اساس بعد از پیشینه تحقیق، به بررسی پیش فرض‌های فلسفی و فقهی مطالعه خویش خواهیم پرداخت. در آنجا برخی از مبانی فقهی و فلسفی را به عنوان پیش فرض رویکرد خویش قرار داده‌ایم و بر این مبنا نظریه خود را ارائه کرده‌ایم. در ادامه برای تبیین اهمیت ورود خمس و زکات به نظام مالیاتی، به ارائه محاسبات خویش در زمینه ظرفیت بالقوه زکات و خمس در اقتصاد ایران پرداخته‌ایم و تأثیرات ورود آن به نظام مالیاتی را مورد بررسی قرار داده‌ایم. در آنجا نشان خواهیم داد که درآمدهای حاصل از مالیات‌های اسلامی بسیار زیاد و قابل توجه است و ورود آن به چرخه اقتصاد بر اساس نوع مصارف آن‌ها می‌تواند تأثیر زیادی در اقتصاد کشور داشته باشد. آثار توزیع زکات و خمس هم از بعد نظری و هم تجربی در توسعه و رشد اقتصادی، بیکاری، کاهش ضریب جینی، عدالت و امثال بسیار قابل توجه است که در اینجا به همه آن پرداخته نشده است، اما کلیاتی در مورد آن مطرح گردیده است.

از طرفی به دنبال آن هستیم که با نگاهی کاملاً عملیاتی، ساختار مالیاتی موجود در ایران را مورد بررسی قرار داده و نقاط ضعف و قوت آن را مورد بررسی قرار دهیم. این موضوع در قسمت‌های بعدی مدنظر قرار گرفته است. آسیب‌شناسی نظام مالیاتی، خمس و زکات در ایران و نقد سیستم به صورت عمومی از محورهای اصلی این بحث محسوب می‌شود.

در ادامه مدلی را تحت عنوان سناریوی اول مطرح می‌کنیم که در حال حاضر بسیاری از محققان اقتصاد اسلامی از آن مدل به عنوان مدل مطلوب سخن می‌گویند. از آنجا که از نظر ما الگوی مورد نظر دارای اشکالات قابل توجهی است، بخشی از تحقیق را به نقد و بررسی آن اختصاص داده‌ایم و در بخش پایانی، الگوی مطلوب در همگرایی نظام‌های مالیاتی متعارف و اسلامی را ارائه نموده‌ایم. بخش زیادی از این تحقیق با استفاده از روش اسنادی کتابخانه‌ای صورت گرفته است و الگوی مدنظر اکتشافی است.

۱. پیشینه پژوهش

کیاء الحسینی (۱۳۸۰) در مقاله «برآورد خمس ارباح مکاسب به عنوان یکی از منابع مالی اسلامی در تأمین اجتماعی» پس از بررسی فقهی و نظری خمس در اسلام، به محاسبه و برآورد خمس حاصل از ارباح مکاسب می‌پردازد. ایشان در تحقیق خود از دو روش خرد و کلان استفاده کرده است و نشان داده است که روش خرد و کلان نتایج مشابهی داشته‌اند. این تحقیق برای یک دوره ۱۰ ساله (از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵) انجام شده است. زمانی‌فر (۱۳۸۲) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود «ارزیابی و محاسبه توان فقرزدایی زکات در برخی از استان‌های منتخب» به بررسی توانایی زکات بالقوه در رفع فقر استان‌های تهران، سمنان، اصفهان، مرکزی، چهارمحال و بختیاری، بوشهر و ایلام می‌پردازد. نتیجه‌ای که ایشان می‌گیرند این است که مقایسه درآمدهای حاصل از زکات بالقوه دلالت بر آن دارد که این درآمد به تنهایی برای رفع فقر استان‌های مورد نظر کفایت نمی‌کند و لذا نیاز است که به درآمدهای دیگری از جمله مالیات روی آورد. ایشان علت پاسخگو نبودن این درآمدها را در دو چیز می‌داند:

الف) بالا بودن فقرا؛

ب) کم بودن میزان زکات که از سنتی بودن بخش کشاورزی اقتصاد حاصل شده است.

در نتیجه نباید انتظار داشت که اگر همه افراد جامعه زکات پرداخت کنند مسأله فقر رفع بشود.

اسماعیل‌پور دره (۱۳۸۷) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود «الگوی مناسب مؤسسات مالی زکات در جمهوری اسلامی ایران»، افزایش بهره‌وری و کارآئی و اثربخشی بهینه در حوزه‌های جمع‌آوری، اداره و توزیع زکات در ایران را مستلزم ایجاد مؤسسات مالی زکات در کشور دانسته است. برای این منظور به بررسی دو پیشنهاد فقهی ایجاد مؤسسات مالی زکات یعنی امکان تعمیم متعلقات زکات و نقش حکومت

در قبال زکات پرداخته و سپس به اجرای زکات در کشورهای اسلامی از نظر قوانین، ساختار اداری و شیوه‌های جمع‌آوری و توزیع پرداخته است و وضعیت فعلی اداره زکات را در جمهوری اسلامی ایران بررسی کرده و در پایان به ارائه الگوی مؤسسات مالی زکات در جمهوری اسلامی ایران همت گماشته است.

کاشیان (۱۳۸۹) در مقاله «آزمون بسندگی زکات و خمس در تأمین حداقل معیشت خانوارهای نیازمند در اقتصاد ایران طی ساله‌های ۱۳۸۷-۱۳۸۰» ضمن تشریح کامل مسأله تشکیک در کارایی زکات با فرض انحصار زکات در موارد نه‌گانه، به محاسبه ظرفیت بالقوه زکات، زکات فطره و خمس در اقتصاد ایران پرداخته و در مرحله بعد به تبیین نظری حداقل معیشت در اسلام پرداخته و منابع لازم برای رفع فقر در جامعه ایران را برآورد می‌کند و در پایان نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر درآمدهای خمس و زکات آن قدر زیاد بوده‌اند که برای رفع فقر در جامعه کفایت می‌کرده است.

کیاءالحسینی (۱۳۹۰) در مقاله «ملاحظات پیاده‌سازی مالیات‌های اسلامی» به بررسی ملاحظات در پیاده‌سازی نظام مالیاتی می‌پردازد. ایشان ۱۸ مورد از این ملاحظات را احصاء نموده و بر اساس نظرسنجی از نخبگان به رتبه‌بندی آنها پرداخته است. از نظر ایشان نخبگان اعتقاد دارند که مهم‌ترین مسأله در اینجا استقلال حوزه‌های علمیه و کم‌اهمیت‌ترین موضوع اختلافات فقهی است. نبود قوانین منسجم در جهت پیوند نظام مالیات‌های اسلامی و متعارف و عدم ساختار مناسب نیز از مهمترین ملاحظات اجرای چنین رویکردی بوده است.

موحدی و رضایی (۱۳۹۱) در مقاله «ارتباط وجوهات شرعی و مالیات‌های حکومتی در الگوی پیشرفت اسلامی-ایرانی (دلالت‌هایی برای حل پرداخت‌های دوسویه» به نقد نگاه رایج از ارتباط دو نظام مالی (نظام مالیه مبتنی بر وجوهات شرعی و نظام مالیاتی کشور) پرداخته و با تبیین ارتباط مطلوب وجوهات شرعی و مالیات‌های حکومتی به عنوان اولین گام نظام‌سازی مطلوب مالیاتی، راه را برای ادامه تغییرات

هموار می‌سازد. یکی از دلالت‌های این نوع نگاه جدید به نظام مالیاتی، حل مشکل پرداخت‌های دوسویه خواهد بود.

۲. پیش‌فرض‌های فقهی و فلسفی

برای پاسخگویی به سؤالاتی که در مقدمه مطرح گردید، لازم است که برخی از مبانی فقهی و فلسفی مهم در ارتباط با مالیات‌های شرعی و متعارف را مطرح نماییم. در اینجا باید اشاره شود که هدف ما در این بخش بررسی جزئی موارد فقهی نیست چرا که این‌ها نیاز به تحقیقات گسترده‌ای دارد، بلکه صرفاً برخی از مبانی فقهی و فلسفی را به عنوان پیش‌فرض رویکرد خویش قرار داده‌ایم و بر این مبنا نظریه خود را ارائه کرده‌ایم. همانطوری که در مقدمه نیز بیان گردید، در موارد اختلافی بین فقها با توجه به شأن حاکمیتی ولی فقیه از نظرات فقهی حضرت امام استفاده کرده‌ایم. مجموعه این مقدمات که برای بحث ما لازم بود به صورت زیر هستند و ما آنها را به عنوان پیش‌فرض‌های اصلی این تحقیق در نظر گرفته‌ایم:

(۱) زکات جایگاه عظیمی در اسلام دارد و اهمیت آن قدر بالاست که خداوند متعال در جای‌جای قرآن کریم زکات را در کنار نماز آورده است و از زکات دهندگان در کنار نمازگزاران یاد کرده است. در قرآن ۳۲ بار کلمه زکات آمده است (قرائتی، ۱۳۹۱، ص ۱۲). با این حال به دلیل اینکه فتوای فقهای شیعه دلالت بر آن دارد که زکات در انعام ثلاثه، غلات اربعه و نقدین محصور است، منابعش بسیار محدود است و کمتر مورد توجه قرار گرفته است (ثامنی کیوانی، ۱۳۸۲). بر همین اساس بسیاری از محققین اصرار دارند که قانونی بودن یا نبودن زکات تفاوت چندانی ندارد و عملاً آن را بی‌فایده دانسته‌اند. برای رفع این شبهه باید گفت معنای زکات در قرآن، یک معنای عام است و شامل هر نوع واجب مالی مانند خمس، زکات موارد نه‌گانه، خراج و امثال آن می‌شود. لذا خمس نیز خود نوعی زکات محسوب می‌شود و به طور برجسته‌ای مورد تأیید بوده است و منابع

عظیمی در اختیار دولت قرار داده است. به عبارت دیگر هر چند زکات موارد نه‌گانه به لحاظ درآمدی بسیار محدود است، ولی در کنار خمس می‌تواند منبع بسیار مناسبی برای حکومت اسلامی محسوب شود و از این رو توجه به آن در ساختار مالیاتی کشور می‌تواند مثمر ثمر باشد (عسکری، ۱۳۸۹، ص ۲۴). بنابراین پیش‌فرض اصلی ما در این نوشتار زکات به معنای عام آن است و لذا هم بحث از خمس و هم بحث از زکات مطرح شده است.

(۲) زکات و خمس دو ابزار بسیار مهم دولت برای رفع فقر هستند. دو ابزاری که از منابع مختلفی جمع‌آوری می‌شوند و دارای مصارف مشخصی هستند. با توجه به فلسفه وضع زکات در اسلام می‌توان گفت که زکات و خمس عمدتاً برای رفع فقر وضع شده‌اند (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۰۸). اما این بدان معنا نیست که استفاده از زکات محصور در رفع فقر باشد. از مجموع روایات و آیات قرآن کریم و نیز از نظر حضرت امام خمینی (ره) این‌گونه برداشت می‌شود که زکات و خمس صرفاً برای رفع فقر و کمک به زندگی فقرا نیست هرچند هدف اصلی آن رفع فقر است. این دو درآمد می‌توانند برای غیر رفع فقر و بر اساس صلاحدید حاکم اسلامی نیز مورد استفاده قرار گیرد و در اموری مانند پروژه‌های عمرانی دولت، سیاستگذاری‌های فرهنگی کشور، امور اقتصادی و سایر موارد مشابه مورد استفاده قرار گیرند (امام خمینی، ۱۴۲۳ق، صص ۳۲-۳۳).

(۳) موضوع دیگری که باید بدان پرداخته شود، آثار فردی و اجتماعی پرداخت زکات است. پرداخت زکات آثار فردی و اجتماعی زیادی دارد که از جمله آن می‌توان به درمان بخل، برکت رزق، بیمه مال، محبوبیت نزد خدا، باز شدن گره‌ها، کفاره گناهان، رهایی از کیفر، جاودانگی اموال، استجاب دعا، کینه‌زدایی، بنیه دینی مردم، تربیت نسل پاک، فقرزدایی و ایجاد اشتغال اشاره کرد (قرائتی، ۱۳۹۱، ص ۲۷).

(۴) مشهور فقیهان امامی، بلکه اکثریت آنان معتقدند زکات در نه چیز واجب است و این نه چیز عبارت است از: گندم، جو، خرما، کشمش، شتر، گاو، گوسفند، طلا و نقره. بزرگانی مانند شیخ صدوق، شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی، محقق حلی، شهیدین و بیشتر فقهای متأخر و معاصر، این قول را اختیار کرده و برخی بر آن ادعای اجماع کرده‌اند. در میان فقیهان شیعه تعداد معدودی، قول مشهور را نپذیرفته و به وجوب زکات در مواردی بجز اشیای نه‌گانه قائل شده و یا بنا بر احتیاط، ترک آن را در این اشیا جایز ندانسته‌اند (عسکری، ۱۳۸۲، ص ۱). عده‌ای نیز انحصار زکات در موارد نه‌گانه را پذیرفته‌اند اما تفسیر دیگری از برخی از موارد مانند نقدین نموده‌اند و پول را نیز مصداق نقدین و مشمول زکات دانسته‌اند (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۹)^۳. با این حال آنچه که مشهور است انحصار در موارد نه‌گانه است و روایات زیادی دلالت بر آن دارند. پیش فرض ما در این تحقیق نیز همین است. طبیعی است که اگر الگوی مورد نظر در مورد زکات موارد نه‌گانه کارایی داشته باشد، در مورد دیگر نظریه‌های موجود در مورد زکات که قائل به تعمیم به روش‌های مختلف هستند به طریق اولی نظریه کارایی خواهد داشت.

(۵) فقهای شیعه با توجه به معنای لغوی غنیمت در آیه شریفه خمس و به استناد روایات و اجماع طایفه، موارد تعلق خمس را تا هفت مورد برشمرده‌اند که این موارد عبارت‌اند از: غنائم جنگی، معدن، گنج، غواصی، درآمد کسب، زمینی که ذمی از مسلمان بخرد و مال حلال مخلوط به حرام. در حال حاضر آنچه که از این موارد بیشتر موضوعیت دارد خمس ارباح مکاسب و معدن است.

(۶) نظر اکثر مراجع فعلی پرداخت زکات به وسیله مالک است، یعنی مالک مال می‌تواند خود مستقلاً به پرداخت زکات مبادرت ورزد. با این حال شهید صدر، آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله مکارم شیرازی و آیت‌الله موسوی اردبیلی نظرشان این

است که زکات به حاکم اسلامی پرداخت شود (اسماعیل پور دره، ۱۳۸۷). از میان محققان معاصر علامه محمدتقی جعفری و آیت‌الله امینی به این نظریه پرداخته و آن را پذیرفته‌اند. از نظرات حضرت امام هم اینگونه برداشت می‌شود که خمس حق‌الاماره است و باید به امام معصوم و یا نایب ایشان پرداخت شود (امام خمینی، ۱۴۲۳ق، صص ۳۲-۳۳). مبنای ما در این تحقیق نیز نظر حضرت امام بوده است.

(۷) برخی از محققان اقتصاد اسلامی با تمسک به فتوای فقهای شیعه مبنی بر اینکه اول مالیات را پرداخت کنید و بعداً خمس را حساب نمایید، اینگونه استدلال کرده‌اند که مالیات بر زکات و خمس مقدم است و نتیجه گرفته‌اند که خمس نمی‌تواند به عنوان هزینه قابل قبول برای معافیت مالیاتی محسوب شود و در برخی از مواقع به برخی از فتاوی مراجع نیز تمسک کرده‌اند^۵. به عبارتی طبق نظر فقهای شیعه اگر در یک روز به صورت اتفاقی روز خمسی شما محسوب شد و در آن روز مالیات هم باید پرداخت کنید، ابتدا مالیات را پرداخت کرده و بعد خمس را محاسبه کنید چرا که مالیات نیز جزء هزینه قابل قبول برای پرداخت خمس محسوب می‌شود. بر همین اساس عده‌ای این‌گونه استدلال کرده‌اند که این موضوع دلالت بر آن دارد که مالیات مقدم بر خمس است و نتیجه گرفته‌اند که مالیات اهمیت بیشتری از خمس دارد^۶. اما مغالطه این استدلال کاملاً واضح است و آن این است که تقدم زمانی پرداخت مالیات بر زکات و خمس هیچ دلالتی بر این ندارد که باید زکات خود را با مالیات تطبیق دهد. در واقع در اینجا نوعی قیاس مع الفارق هستند و نمی‌توان استدلال کرد که خمس جزء هزینه قابل قبول برای مالیات نیست. بلکه بر طبق نظریه مشهور، تنها مالیات موظف شرعی مسلمانان به عنوان مالیات اولی، زکات و خمس است. زکات و خمس در کنار دیگر منابع مالی عهده‌دار تأمین هزینه‌های عمومی دولت و غیر آن

هستند. دلایل اثبات شرعی بودن مالیات^۶ دلالت بر این دارند که در صورت وجود دولت اسلامی و نیاز به منابع مالی و کمبود زکات و خمس، وضع مالیات به صورت اضطراری و حکم ثانوی پذیرفته می‌شود (آیت‌الله جوادی آملی: ص ۲۵۹). حضرت امام نیز در سخنرانی خود در مورد نظام مالیاتی اسلام و تحقق آن در جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۳۰ خرداد ۱۳۵۸ در جمع وزیر و اعضای وزارت اقتصاد و دارایی «اگر یک روزی هم ان‌شاء‌الله توانستیم و توانستید که همان مالیات اسلامی را بگیریم و هیچ احتیاجی به چیز دیگری زاید [مثل مالیات] نداشته باشیم. همین خمس بسیار عادلانه است، برای اینکه این بقال سر محله به اندازه خودش مالیات می‌دهد، آن آدمی هم که صاحب کارخانه‌های که است، آن هم به اندازه خودش مالیات می‌دهد. امید است که بشود» (امام خمینی، ج ۷، ص ۱۸۱۶). لذا اصل بر زکات و خمس است و مالیات می‌تواند به صورت ثانوی و در صورت کمبود درآمدهای حاصل از خمس و زکات وضع شود. اگر قرار است برای کمبود درآمدها مالیات نیز وضع شود، لازم است که نظام مالیاتی به حکم ثانوی بودن خود را منطبق بر نظام وجوهات شرعی نماید. از این جهت است که اگر حکومت اسلامی به دنبال وضع مالیات باشد، باید به پرداخت‌های خمس و زکات مردم توجه داشته باشد و آن‌ها را مشمول بخشودگی‌ها و معافیت‌های مالیاتی گرداند. با این حساب مالیات نیز جزئی از وجوهات شرعی خواهد بود.

۳. نقش پیش‌فرض‌ها در طراحی الگو

از مجموعه مباحثی که در این بخش مطرح گردید، می‌توان به یک جمع‌بندی کلی رسید و جایگاه و نقش هریک از این پیش‌فرض‌ها را در طراحی الگو مدنظر قرار داد. در واقع در این بخش ارتباط و نقش هریک از این پیش‌فرض‌ها در طراحی الگوی مورد نظر را تبیین خواهیم کرد.

پیش فرض‌های ۱ و ۲ و ۳ دلالت بر اهمیت بیش از حد زکات و خمس در اسلام دارند و ضمن برشماری آثار فردی و اجتماعی پرداخت و عدم پرداخت زکات، اهمیت طراحی الگو و در نتیجه آن ساختارسازی و تشویق مردم به پرداخت زکات را گوشزد می‌کند. ضمن اینکه از نظر اقتصادی نیز به آثار بهره‌گیری از زکات در رفع فقر، احداث پروژه‌های فرهنگی و خدماتی مانند بیمارستان و مسجد و امثال آن اشاره دارد. پیش فرض ۴ و ۵ به موارد تعلق زکات و خمس اشاره دارد و فارغ از اختلافات فقهی قابل توجه در این حوزه، به استناد نظر حضرت امام و نیز مشهور فقهای شیعه، موارد تعلق زکات و خمس را تعیین می‌کند و آن را به عنوان پیش فرض در الگو مطرح می‌نماید. در واقع در طراحی الگو فرض بر انحصار زکات در موارد نه‌گانه و تعلق زکات به موارد هفت‌گانه است که نظر حضرت امام و البته مشهور فقهای شیعه بر همین است. پیش فرض ۶ نیز به حق‌الاماره بودن خمس و حق حاکم بودن زکات اشاره دارد که این موضوع نیز در طراحی الگوی مد نظر قرار گرفته و الگوی پیشنهادی از همین مبنا طراحی شده است. پیش فرض ۷ نیز به منظور نقد دیدگاه رایج در باب طراحی الگوی یکپارچه سازی ارائه گردیده و با اتکای به همین پیش فرض الگوی مورد نظر طراحی شده است. به عبارت دقیق‌تر در الگوی پیشنهادی جدید اصل بر خمس و زکات است و مالیات می‌تواند به عنوان مکمل در جهت نیازهای کشور مورد استفاده قرار گیرد.

۴. ظرفیت بالقوه زکات و خمس و میزان تأثیرگذاری آن بر اقتصاد ایران

یکی از موضوعات مهمی که باید بدان پرداخته شود سنجش درآمدهای بالقوه زکات و خمس در اقتصاد ایران و میزان تأثیرگذاری این درآمدها بر متغیرهای کلان اقتصادی است. بسیاری از اقتصاددانان مسلمان به استناد ثامن کیوانی (۱۳۷۷)، زمانی‌فر (۱۳۸۲) و کیاءالحسینی (۱۳۸۷) اینگونه استدلال کرده‌اند که درآمدهای زکات بسیار ناچیز است و تأثیر آن در پیشبرد اهداف و مسایل کشور بسیار کم است. هرچند این استدلال در

مورد زکات موارد نه گانه صحیح است، اما در مورد زکات به معنای عام آن که شامل خمس نیز می شود صادق نیست.

بر همین اساس در این قسمت از محاسبات مربوط به ظرفیت بالقوه زکات و خمس در اقتصاد ایران استفاده کرده ایم و نشان داده ایم که درآمد خمس و زکات آنقدر زیاد است که بتواند به عنوان منبعی عظیم در اختیار حکومت اسلامی قرار گیرد. برای محاسبه زکات موارد نه گانه، از آمار شماری عمومی کشاورزی کشور در سال ۱۳۸۲ استفاده شده است و با چینش میزان تولید محصولات کشاورزی و دام مشمول زکات، آن مواردی را که مکلف به پرداخت زکات شده شناسایی کرده و میزان ظرفیت بالقوه زکات حساب گردیده است. لازم به ذکر است که طبق نظر مشهور فقهای شیعه، به طلا و نقره زمانی زکات تعلق می گیرد که اولاً مسکوک باشند و ثانیاً پول مبادله ای در بین مردم باشد. طبق این نظر به طلا و نقره امروزی زکاتی تعلق نمی گیرد و از این رو میزان درآمد مورد نظر آن صفر در نظر گرفته شده است.

برای محاسبه ظرفیت بالقوه خمس از دو روش شبیه سازی کلان و شبیه سازی خرد استفاده شده است و برای محاسبه ظرفیت بالقوه زکات از آمار سرشماری عمومی کشاورزی استفاده شده است که نصاب زکات آن را تعیین کرده است.

جدول (۱): ظرفیت بالقوه خمس و زکات در اقتصاد ایران طی سال های ۸۰ تا ۸۹
(ارقام به میلیارد ریال)

سال	خمس ارباح مکاسب	خمس بخش نفت و گاز	خمس معادن	جمع زکات بالقوه	زکات فطره	مجموع
۱۳۸۰	۲۹۸۵۱	۲۲.۳۰۵	۹۲۳	۴۸۰	۱۷۴	۵۳۷۳۳
۱۳۸۱	۴۵۴۰۸	۳۲.۸۳۰	۱۰۱۲	۶۰۸	۲۱۹	۸۰۰۷۷
۱۳۸۲	۵۸۵۷۲	۴۱.۴۹۶	۱۱۵۴	۷۴۵	۲۵۷	۱۰۲۲۲۴
۱۳۸۳	۸۳۵۵۵	۶۰.۷۰۵	۱۹۳۰	۸۶۱	۲۹۶	۱۴۷۳۴۷
۱۳۸۴	۱۰۹۱۷۲	۸۳.۷۲۹	۲۷۰۰	۱۰۰۴	۳۲۹	۱۹۶۹۳۴

۲۴۲۴۱۴	۴۴۹	۱۲۲۷	۳۳۳۳	۹۸.۶۳۸	۱۳۸۷۶۷	۱۳۸۵
۳۲۴۵۸۳	۵۴۷	۱۵۲۱	۴۴۴۲	۱۳۱.۱۹۰	۱۸۶۸۸۳	۱۳۸۶
۳۵۸۱۸۱	۷۴۰	۱۲۵۶	۵۵۵۰	۱۳۴.۷۰۶	۲۱۵۴۲۹	۱۳۸۷
۳۴۳۸۹۹	۹۳۹	۲۱۵۴	۵۳۳۲	۱۰۹.۵۲۹	۲۲۵۹۴۵	۱۳۸۸
۴۵۴۴۳۷	۹۵۲	۲۵۱۹	۵۴۱۲	۱۵۲۸.۰۷	۲۹۲۷۴۷	۱۳۸۹

مأخذ: عسکری و کاشیان، ۱۳۸۹

با محاسبات ظرفیت بالقوه خمس و زکات و با استفاده از آمارهای رسمی کشور می‌توانیم درآمدهای بالقوه حاصل از خمس و زکات را با درآمدهای مالیاتی کشور مقایسه نماییم.

جدول (۲): مقایسه درآمد حاصل از خمس و درآمد مالیاتی دولت برای سال‌های ۸۰ تا ۸۹ (ارقام به میلیارد ریال)

سال	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹
خمس و زکات (ظرفیت بالقوه)	۵۳۳۳۳	۸۰۰۷۷	۱۰۲۲۲۴	۸۳۳۸۶۱	۳۱۶۱۹۳۴	۲۴۲۴۱۴	۳۲۴۵۸۳	۳۵۸۱۸۱	۳۴۳۸۹۹	۴۵۴۴۳۷
درآمد مالیاتی (ظرفیت بالفعل)	۱۷۷۱۶	۱۷۵۰۵	۶۵۰۹۹	۱۱۶۳۶۷	۳۵۵۳۷۴	۱۵۱۶۲۰	۱۹۱۸۱۵	۲۳۹۷۴۱	۳۰۰۰۴۰	۲۱۰۰۰۰

مأخذ: عسکری و کاشیان، ۱۳۸۹

همان‌طور که مشاهده می‌شود درآمدهای حاصل از مالیات‌های اسلامی بسیار زیاد و قابل توجه است و ورود آن به چرخه اقتصاد بر اساس نوع مصارف آن‌ها می‌تواند تأثیر زیادی در اقتصاد کشور داشته باشد. آثار توزیع زکات و خمس هم از بعد نظری و

هم تجربی در توسعه و رشد اقتصادی، بیکاری، کاهش ضریب جینی، عدالت و امثال بسیار قابل توجه است که در اینجا نمی‌توان به طور مبسوط بدان پرداخت.

تحقیقات تجربی برای باز توزیع زکات بر اساس ۲ سناریو با استفاده از خط فقر اسلامی^۷ مطرح گردیده که شرح آن‌ها بدین صورت است:

سناریوی اول: سطح هزینه‌ای دهک پنجم را به عنوان متوسط جامعه در نظر گرفته و آن قدر به فقرا پرداخت می‌کنیم تا سطح زندگی‌شان به سطح دهک پنجم جامعه برسد.

سناریوی دوم: یکی از روش‌های تعیین خط فقر، تعیین میانه مخارج خانوارها و محاسبه ۵۰ یا ۶۶ درصد آن به عنوان خط فقر است. برای تعیین خط فقر، ابتدا مخارج خانوارها در ده دهک درآمدی (هزینه‌ای)، مرتب و سپس میانگین مخارج دهک‌های پنجم و ششم گرفته شده که این میانگین به عنوان میانه مخارج؛ که یکبار ۵۰ درصد این میانه و یکبار ۶۶ درصد این میانه به عنوان خط فقر در نظر گرفته می‌شود (خداداد کاشی، ۱۳۸۹).

بر اساس این دو سناریو توزیع زکات صورت گرفت که تغییرات ضریب جینی را به شکل زیر به همراه داشت:

جدول (۳): ضریب جینی

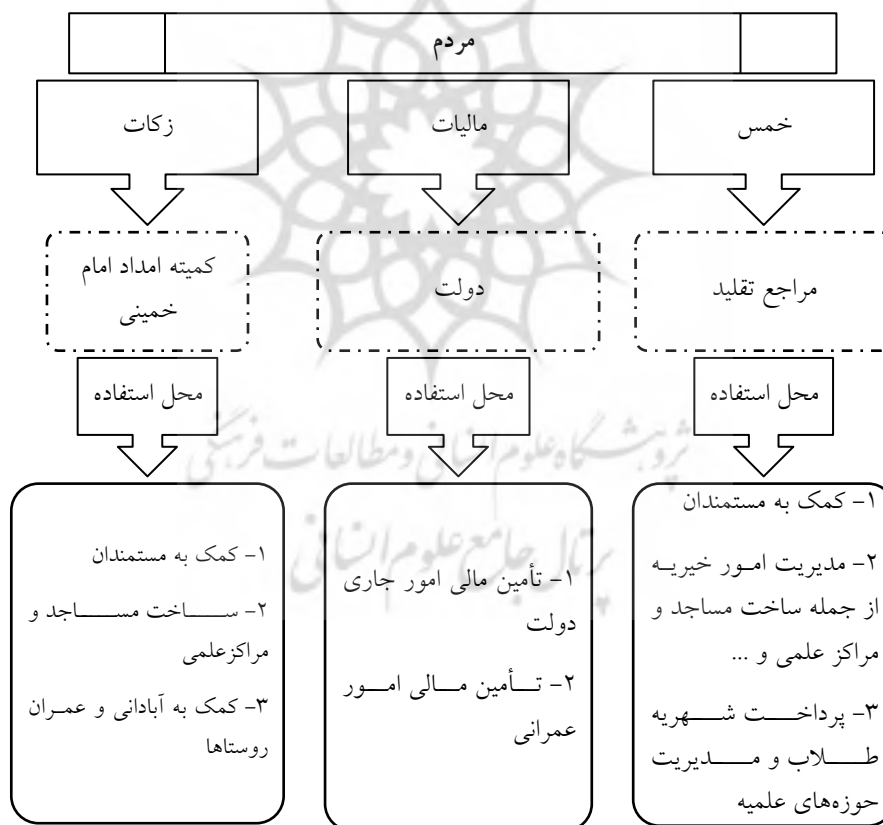
ضریب جینی قبل از توزیع زکات و خمس	ضریب جینی بعد از توزیع زکات و خمس: سناریوی اول	ضریب جینی بعد از توزیع زکات و خمس: سناریوی دوم	
۰.۳۶۱۰	۰.۲۹۴۰	۰.۲۷۷۲	۱۳۸۹
۰.۳۸۳۱	۰.۳۰۲۰	۰.۲۹۷۳	۱۳۸۸
۰.۴۰۶۴	۰.۳۱۲۶	۰.۳۰۲۹	۱۳۸۷
۰.۴۲۶۳	۰.۳۲۷۵	۰.۳۲۶۷	۱۳۸۶
۰.۴۲۲۱	۰.۳۳۱۵	۰.۳۴۱۹	۱۳۸۵

مأخذ: شعبانی، کاشیان، ۱۳۸۹

ضمن اینکه تأثیر خمس و زکات در رشد اقتصادی، ارتقاء سرمایه انسانی و اجتماعی، رفع بیکاری، رفع فقر، ایجاد عدالت و امثال آن بسیار محسوس است.^۸

۵. آسیب‌شناسی ساختار موجود مالیات‌های اسلامی و متعارف در ایران

در این بخش به دنبال آن هستیم که با نگاهی کاملاً عملیاتی، ساختار مالیاتی موجود در ایران را مورد بررسی قرار داده و نقاط ضعف و قوت آن را مورد بررسی قرار دهیم. از آنجا که به دنبال طراحی یک نظام مالیاتی بهینه مبتنی بر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت هستیم، صرفاً به بخش خاصی از ویژگی‌های نظام مالیاتی ایران پرداخته‌ایم و آن قسمت‌هایی را که با این الگو قرابت بیشتری دارند مورد بررسی قرار داده‌ایم.



نمودار (۱): وضعیت فعلی نظام مالیات‌های اسلامی و متعارف در ایران

در رأس نمودار فوق، مردم حضور دارند که به عنوان پرداخت کننده اصلی مالیات، خمس و زکات محسوب می‌شوند. مردم در ایران دو نوع مالیات پرداخت می‌کنند که به ترتیب خمس مالیات و زکات است. خمس توسط مراجع تقلید جمع‌آوری می‌شود و در جهت کمک به مستمندان، مدیریت امور خیریه از جمله ساخت مساجد و مراکز علمی و امثال آن و نهایتاً مدیریت حوزه‌های علمیه و پرداخت شهریه طلاب مورد استفاده قرار می‌گیرد. متولی جمع‌آوری مالیات، دولت و به طور خاص سازمان امور مالیاتی است که مصارف آن را می‌توان به طور کلی به بودجه جاری و عمرانی دولت منحصر کرد. نهایتاً اینکه متولی امر زکات در جمهوری اسلامی ایران کمیته امداد امام خمینی(ره) است. این نهاد با جمع‌آوری درآمدهای حاصل از زکات، به اقدامات متعددی از جمله کمک به مستمندان در قالب طرح‌های مختلف، ساخت مساجد و رسیدگی به امور مردم در مناطق محروم و امثال آن مبادرت می‌ورزد.

۵-۱. نظام مالیاتی: نقاط ضعف و قوت

با توجه به ساختار فوق می‌توانیم به بررسی نقاط ضعف و قوت هر یک از سیستم‌های فوق بپردازیم:

۵-۱-۱. نقاط قوت نظام مالیاتی

در سال‌های اخیر، تلاش بسیار زیادی در جهت بهبود سازوکار نظام مالیاتی شده است. مطرح شدن اصلاح نظام مالیاتی به عنوان یکی از ارکان طرح تحول اقتصادی، موضوعی است که تأثیر بسیار زیادی در این امر داشته است و زمینه را برای بهبود نظام مالیاتی فراهم آورده است. به طور کلی برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های نظام مالیاتی ایران که به موضوع ما مرتبط می‌شود به شرح زیر هستند:

- ۱- وجود سازمانی مستقل جهت جمع‌آوری مالیات به صورت تخصصی؛
- ۲- به‌کارگیری بروزترین شیوه‌های مالیاتی دنیا متناسب به فعالیت‌های مختلف اقتصادی؛

- ۳- وجود عزم عمومی در بین مسئولین در راستای تقویت نظام مالیاتی؛
- ۴- شفافیت در نظام مالیاتی؛
- ۵- وجود نظام تشویق و تنبیه در فرآیند جمع‌آوری مالیات؛
- ۶- وجود آمار و امکان ارزیابی؛
- ۷- بالا بودن سطح درآمدهای مالیاتی و توجه دولت به آن به عنوان یک رکن درآمدی.

۵-۱-۲. نقاط ضعف نظام مالیاتی

هرچند متخصصین امر نقاط ضعف قابل توجهی برای نظام مالیاتی ایران بر می‌شمارند، اما در این قسمت صرفاً به برخی از نقاط ضعف آنکه مرتبط به موضوع این فصل است اشاره می‌شود:

- ۱- بی‌توجهی به پرداخت مالیات‌های اسلامی مانند خمس و زکات؛
- ۲- کامل نبودن زیرساخت‌های اطلاعاتی برای رصد همه فعالیت‌های اقتصادی و وضع مالیات بر آن‌ها؛
- ۳- ضعف فرهنگ پرداخت مالیات در مردم؛
- ۴- بالا بودن سطح فرار مالیاتی؛
- ۵- ضعف نظام تشویق و تنبیه؛
- ۶- کامل نبودن پایه‌های مالیاتی.

۵-۲. سیستم مدیریت زکات: نقاط ضعف و قوت

مدیریت زکات در کشور بر عهده کمیته امداد حضرت امام خمینی (ره) است. در مجموع این مدیریت دارای نقاط ضعف و قوت قابل توجهی است که در گنجایش این نوشتار، بدان خواهیم پرداخت.

۵-۲-۱. نقاط قوت سیستم زکات

در سال‌های اخیر مدیریت کمیته امداد امام خمینی (ره) و تبلیغ روحانیت در سطوح مختلف جامعه، تأثیر قابل ملاحظه‌ای در جمع‌آوری زکات داشته است و ضمن اینکه در حوزه مصارف نیز با ویژگی‌هایی روبرو هستیم. برخی از نقاط قوت سیستم حاضر عبارت‌اند از:

- ۱- داشتن سیستم مدیریت یکپارچه در جمع‌آوری و مصارف زکات؛^۹
- ۲- وجود نظام تشویقی مناسب برای پرداخت زکات به صورت منطقه‌ای (طبقه قوانین کشور، دولت موظف است به همان مقداری که زکات در یک منطقه پرداخت شده است، وجوهی در اختیار آن منطقه قرار دهد تا صرف آبادانی و عمران آن شود)^{۱۰}؛
- ۳- در اختیار داشتن آمار پرداخت زکات؛
- ۴- وجود شبکه گسترده منطقه‌ای برای رفع فقر و کمک به خانواده‌های تحت پوشش (کمیته امداد حضرت امام و نیز بهزیستی در تمامی شهرهای کشور دارای شعبه هستند و ضمن آگاهی از وضعیت آن شهر، می‌توانند بهترین تصمیمات را اتخاذ نمایند)؛
- ۵- رشد درآمدهای حاصل از پرداخت زکات: از سال ۸۳ الی ۸۹، نسبت پرداخت زکات به ظرفیت بالقوه آن، از ۱۰۳ درصد به ۳۰ درصد افزایش یافته و این نشان از رشد بسیار خوب آن است.^{۱۱}

۵-۲-۲. نقاط ضعف سیستم زکات

- ۱- علی‌رغم رشد در پرداخت زکات، حجم درآمدهای زکات بسیار ناچیز است. به عبارتی، برای اهدافی که از زکات مدنظر داریم، این مقدار درآمدی که در بخش‌های گذشته از آن بحث کردیم، بسیار ناچیز خواهد بود و توانایی چندانی برای رفع فقر ندارد.^{۱۲}

۲- سیستم مصارف زکات در بسیاری از مواقع، با سایر سیستم‌های تأمین اجتماعی و حمایتی در جامعه، هم‌پوشانی دارد. به عبارتی این امکان وجود دارد که خانواده‌هایی هم‌زمان از چند سیستم حمایتی از جمله مصارف زکات تحت پوشش قرار گیرند و در عین حال خانوارهایی باشند که علی‌رغم نیاز و شایستگی از چنین درآمدهایی محروم باشند.

۳-۵. سیستم مدیریت خمس: نقاط ضعف و قوت

در طول تاریخ شیعه، خمس و زکات کارکردهای فراوانی داشته و دارند. با این حال در زمان ما بر اساس فتوای فقهای شیعه مبنی بر انحصار زکات در موارد نه‌گانه، اهمیت خمس بسیار بیشتر شده است. مصارف و کارکردهای خمس، از گذشته تاکنون بسیار پراهمیت بوده و از این پس نیز پراهمیت خواهد بود. از عصر غیبت حضرت مهدی (عج)، کار عالمان دینی به ویژه روحانیت شیعه، بیشتر گردید و نیاز به تشکیل و برنامه‌ریزی در تعلیم و تبلیغ و تنظیم مدارس به روش جدیدتر بیش از پیش احساس شد. غیبت امام و لزوم جمع‌آوری احادیث پراکنده و ترس از بین رفتن متون اصلی دینی سبب گردید که محدثان و فقیهان فعالیت خود را افزایش دهند. حوزه‌های شیعی با مسائل جدیدی مثل تبیین و تفسیر مباحث دینی، دفاع از عقیده و دفع شبهات کلامی روبرو شد. این امر فراهم بودن آرامش خیال و امکانات مالی جهت لوازم تحریر و هزینه سفرهای علمی را می‌طلبد. خمس منع بسیار مناسبی برای این امر تلقی می‌شد. در واقع نه تنها خمس در رفع فقر و حل مشکلات معیشتی شیعیان نقش بسیار مهمی داشت، بلکه در گسترش دین و استقلال حوزه‌های علمیه نیز مؤثر بود.

نکته قابل ملاحظه در این سیستم این است که از آغاز غیبت کبرا، حکومت شیعی جز در زمان صفویه شکل نگرفت. با این حال در نظام خمس تغییر چندانی حاصل نشد و همان شیوه سنتی ادامه یافت. بعد از انقلاب اسلامی ایران و استقرار حکومت شیعی در سال ۱۳۵۷، حرف و حدیث‌هایی در این باره مطرح گردید. اما به لحاظ مناسب

نبودن شرایط به فراموشی سپرده شد. در حال حاضر نیاز به طراحی یک سیستم مدیریتی برای خمس بیش از پیش به چشم می‌آید. سیستم سنتی خمس دارای نقاط ضعف و قوت فراوانی است که سیستم جدید باید علاوه بر در اختیار داشتن نقاط قوت سیستم سنتی، از ضعف‌های آن به دور باشد.

۵-۳-۱. نقاط قوت سیستم خمس

به طور کلی خمس کارکردهای فراوانی داشته و تأثیر زیادی در تقویت شیعه داشته است. نقاط قوت آن به شرح زیر است:

۱. عدم وابستگی علما، روحانیون، مراجع و حوزه‌های علمیه به درآمدهای دولتی؛
۲. مدیریت مراجع تقلید بر این درآمدها که از مورد اعتمادترین افراد در جامعه و از سرمایه‌های عظیم اجتماعی محسوب می‌شوند؛
۳. بالا بودن سطح فرهنگی و اعتقادی پرداخت‌کنندگان خمس؛
۴. توأم بودن پرداخت خمس با عقیده‌های دینی و واجب بودن آن و اهتمام زیاد مردم؛
۵. گسترش و ترویج علوم دینی و تقویت حوزه‌های علمیه؛
۶. کمک به حل مشکلات معیشتی خانوارهای نیازمند و مخصوصاً سادات؛
۷. کمک به دولت در اجرای پروژه‌های اقتصادی و فرهنگی.

۵-۳-۲. نقاط ضعف سیستم خمس

علی‌رغم نقاط قوت این سیستم، نقاط ضعف زیادی در این سیستم وجود دارد که به نظر می‌توان آن‌ها را رفع نمود:

۱. در اختیار نبودن آمار پرداخت خمس و عدم امکان تحلیل وضعیت موجود؛
۲. ناکافی بودن مقدار درآمدهای حاصل از درآمد خمس برای مصارف مورد نظر؛
۳. نبودن سیستم اطلاعاتی یکپارچه در دریافت خمس؛

۴. هم‌پوشانی مصارف خمس برای مراجع مختلف و نبود سیستم اطلاعاتی مخارج خمس؛
۵. ضعف فرهنگ‌سازی و ایجاد نظام تشویقی در پرداخت خمس.

۴-۵. نقد سیستم به صورت عمومی

نظام مالیاتی، خمس و زکات در ایران به صورت عمومی و در ارتباط با یکدیگر دارای نقاط ضعف قابل توجهی هستند که لازم است برای ارائه الگوی مورد نظر به این نقاط ضعف پرداخته شود. این نقاط ضعف عبارت‌اند از:

۱- ناهماهنگی در سیستم اخذ مالیات، خمس و زکات از مردم و در اختیار نداشتن سیستم اطلاعاتی جامع که شامل اطلاعات خمس، زکات و مالیات باشد؛

۲- پرداخت‌های موازی خمس، زکات و مالیات به صورت همزمان و فشار زیاد بر افراد معتقد به پرداخت: نبود اطلاعات کافی و سیستم یکپارچه در نظام مالیاتی، خمس و زکات سبب شده است که برخی از افراد به طور هم‌زمان به پرداخت مالیات، خمس و زکات مبادرت ورزند و از این طریق فشار زیادی متحمل شوند؛

۳- هم‌پوشانی مصارف خمس، زکات و مالیات و نبود سیستم اطلاعاتی یکپارچه در باز توزیع آنها: سازمان‌های متولی بانک اطلاعاتی دقیقی از مصارف این نوع درآمدها ندارند و لذا هر لحظه امکان دارد که یک نفر از چندجا کمک‌هایی دریافت نماید و در همان حال افرادی باشند که در عین نیاز، هیچ کمکی دریافت نکنند؛

۴- فشار بر خانواده‌های مذهبی، معتقد و خوش فرهنگ: افرادی که معتقد به اصول دینی هستند و به لحاظ فرهنگی سطح بالایی دارند، به پرداخت خمس، زکات و مالیات مبادرت می‌ورزند ولی افراد غیرمعتقد و بدفرهنگ، نه تنها از

پرداخت خمس و زکات می‌گیرند، بلکه از مالیات نیز فرار می‌کنند. به همین دلیل باید سیستم به گونه‌ای طراحی شود که از فشارها کاسته و نظام تشویقی تنبیهی ایجاد کند.

۶. ضعف نظام تشویقی - تنبیهی در نظام مالیاتی، خمس و زکات ایران

۶-۱. ارائه الگوی مطلوب در جهت تحقق نظام مالیاتی مبتنی بر الگوی اسلامی

ایرانی پیشرفت

در این بخش به دنبال آن هستیم که الگوی مطلوب در همگرایی نظام‌های مالیاتی متعارف و اسلامی را ارائه نماییم. قبل از ارائه الگوی مطلوب در تحقق نظام مالیاتی مبتنی بر الگوی اسلامی ایران، مدلی را تحت عنوان سناریوی اول مطرح می‌کنیم که در حال حاضر بسیاری از محققان اقتصاد اسلامی از آن مدل به عنوان مدل مطلوب سخن می‌گویند و به نقد و بررسی آن می‌پردازیم.

۶-۲. بررسی رویکرد رایج بین اقتصاددانان مسلمان

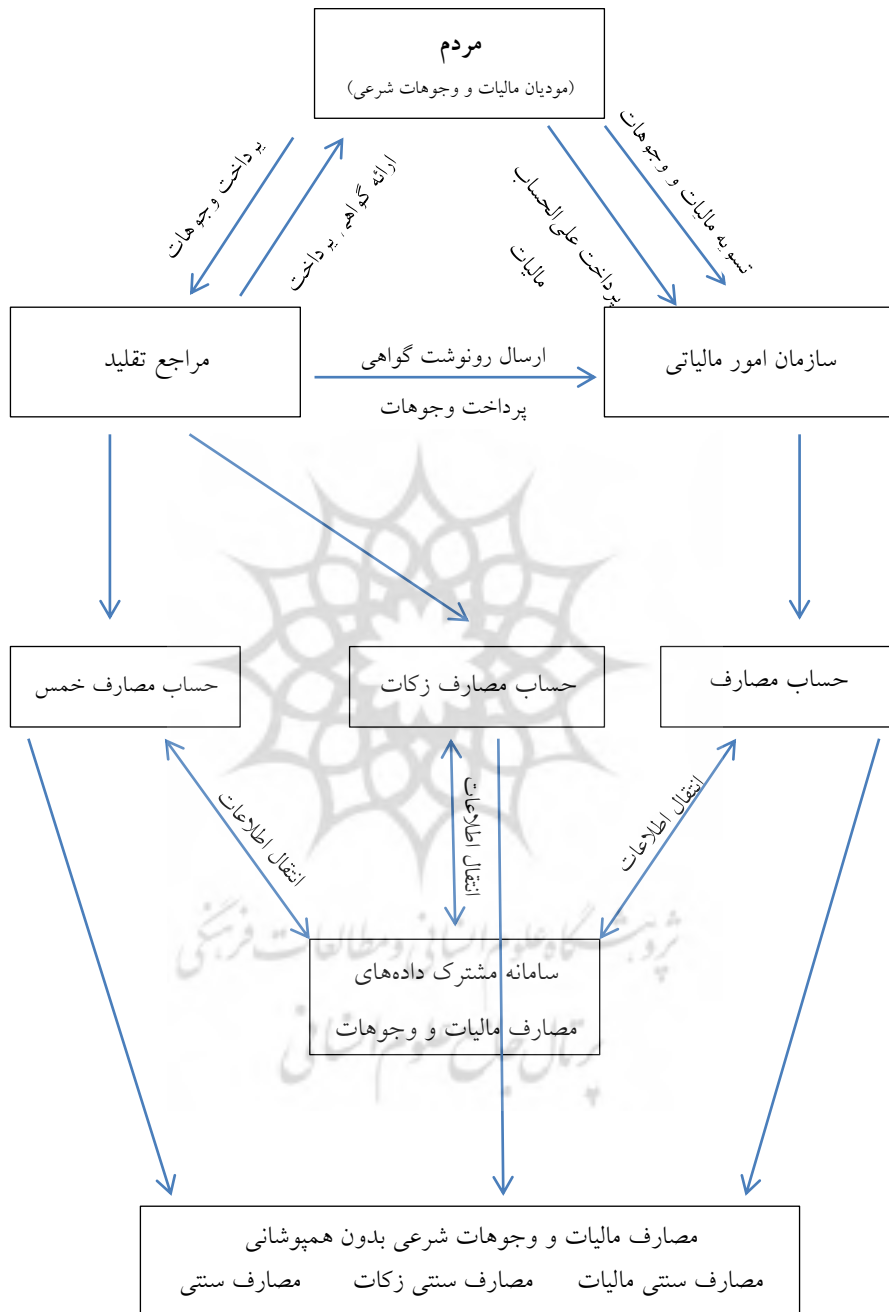
طبق مدلی که ایشان ارائه کردند^{۱۳} در راستای وارد کردن خمس به عنوان پرداختی این نظام واحد مالیاتی، می‌توان ماده‌ای را به این مضمون در قانون مالیات‌های مستقیم الحاق کرد:

«مودی مشمول مالیات بر درآمد در زمان تحویل اظهارنامه مالیاتی خود به سازمان امور مالیاتی، مدارک مستند و مورد تأیید سازمان امور مالیاتی از پرداخت خمس در سال مالیاتی خود را ارائه می‌دهد. مالیات این فرد با احتساب خمس پرداخته شده در این سال مالیاتی محاسبه خواهد شد.»

با توجه به این توضیحات، هر فرد مسلمان مقید به پرداخت وجوهات شرعی، وجوهات خود را از طرقی که برای سازمان امور مالیاتی مستند باشد، -برای مثال از طریق حساب بانکی- به مرجع تقلید خود منتقل می‌کنند. به عبارت دیگر دفاتر هر یک

از مراجع تقلید برای دریافت وجوهات شرعی مقلدین خود، یک شماره حساب بانکی را به سازمان امور مالیاتی معرفی می‌کنند (هر چند دریافت وجوهات شرعی تنها منحصر به این شماره حساب نیست).

وجوهات شرعی‌ای که از طریق این حساب بانکی به طور مستقیم به دست مراجع عظام تقلید می‌رسد، مسلم است که مصرفش به عهده مرجع تقلید و در راهی مصرف می‌شود که وی صلاح می‌داند، اما از آنجایی که هدف اصلی از صرف این وجوهات، در راستای رفع فقر و افزایش عزت شیعه است و این اهداف نیز جدا از اهداف دولت اسلامی نیست می‌توان گفت در صورت موافقت تقنینی دولت، مجلس و شورای محترم نگهبان، خمس و زکات، بخشی از مالیات فرد محسوب خواهند شد، اما از آنجایی که مصارف وجوهات شرعی موارد خاصی را شامل می‌شود، مسلم است که پرداخت مالیات کفاف از پرداخت خمس و زکات نمی‌دهد چرا که مالیات به عنوان حکم ثانوی بوده و جواز وضع آن در واقع به علت عدم کفاف وجوهات شرعی است. نمودار سناریوی اول به شرح زیر است.



نمودار (۲): سناریوی اول

در نقد این رویکرد لازم است که گفته شود هر چند سناریوی فوق به لحاظ اجرایی قابلیت زیادی دارد، اما دارای اشکالاتی است که باید بدان توجه کرد:

- ۱- نگاه حکومتی به خمس و قانونی کردن آن در نظام اسلامی مستلزم آن است که به همه جوانب اسلامی کردن توجه شود. آنچه که واضح است و ما در بخش اول اشاره کردیم، خمس و زکات حق‌الاماره است و باید به دست ولی امر مسلمین برسد. اگر قرار است به این درآمد اسلامی وجهه حکومتی داده شود و از آن به عنوان قانون و نیز منبعی برای درآمدهای حکومت مورد استفاده قرار گیرد، لازم است که آنها را حق‌الاماره نیز بدانیم. در سناریوی اول چنین چیزی دیده نشده است و صرفاً بر اساس وضع موجود راهکاری ارائه شده است که خیلی پیامدهایش معلوم نیست.
- ۲- با توجه به گرایش مردم به پرداخت خمس به مراجع، با اجرای سناریوی اول، اولاً به حجم درآمدی حوزه‌های علمیه به صورت قابل ملاحظه‌ای افزوده می‌شود و ثانیاً درآمدهای مالیاتی دولت کاهش می‌باید. از آنجا که محاسبات ظرفیت بالقوه خمس و زکات نشان می‌دهد که درآمد قابل توجهی است، حتماً از منابع مورد نیاز حوزه‌های علمیه فراتر خواهد رفت. حال باید با این منابع چه کرد؟ سازوکار سنتی حوزه‌های علمیه توانایی جذب این مقدار وجوه را ندارد و لازم است تغییرات جدی در این زمینه صورت گیرد.
- ۳- در بخش‌های قبلی نشان دادیم که لازم است دولت برای کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی، میزان درآمدهای مالیاتی خود را بالا ببرد. دولت در سال‌های اخیر تلاش زیادی برای این امر کرده است. به نظر می‌رسد سناریوی اول دولت را در رسیدن به این هدف عقب می‌اندازد و لازم است که راهکاری دیگر در نظر گرفته شود.

- ۴- آنچه که طلاب و مستحقان از سادات از مراجع دریافت می‌کنند به صورت ضابطه‌مند است و ثبت می‌شود. اما آنچه به صورت موردی به افراد پرداخت می‌شود و یا اینکه به نهادهای دینی کمک می‌شود دارای چنین ضابطه‌ای نیست و همیشه این امکان وجود دارد که کمک‌های تکراری و امثال آن صورت گیرد. به همین دلیل تا مصرف خمس ضابطه‌مند نشود، سناریوی اول با مشکلات زیادی همراه خواهد بود.
 - ۵- در مصرف خمس بین مراجع مختلف نظرات مختلفی وجود دارد و در نتیجه مصارف متفاوتی می‌تواند به وقوع بپیوندد. حال چه تضمینی وجود دارد که بسیاری از مصارف خمس در جهتی غیر از اولویت‌های کشور بکار نرود؟
 - ۶- حوزه‌های علمیه ساختارهای لازم برای جذب و مصرف وجوه خمس به مقدار زیاد را ندارند و لازم است که پیشنهادی دیگر مطرح گردد.
 - ۷- دولت نیز برای خود مصارفی در نظر گرفته است. آیا در شرایط سناریوی ۱ می‌توان درآمدها را برای دولت تضمین کرد.
 - ۸- تعیین مرجع تقلید به عهده مکلفین است. حال ممکن است مراجعی که سازمان مالیاتی آنها را به رسمیت می‌شناسد با آنچه که مکلفین انتخاب می‌کنند متفاوت باشد. در این صورت چه باید کرد؟ اگر مراجع به دو دسته تقسیم شوند نیز وجهه مناسبی ندارد. چرا که برخی لقب مراجع حکومتی و برخی مراجع غیر حکومتی خواهند داشت که این از شأن مراجع به دور است.
 - ۹- با راه‌کارهایی که در حال حاضر وجود دارد، اجباری کردن خمس خیلی موضوعیت ندارد و کاری پر دردسر و شاید غیرممکن در ابتدای امر باشد.
- با مشکلاتی که در مورد سناریوی اول مطرح گردید، لازم است که راهکار جدیدی در این زمینه مطرح گردد. در سناریوی دوم به دنبال این راهکار خواهیم بود.

۶-۳. ارائه الگوی بهینه

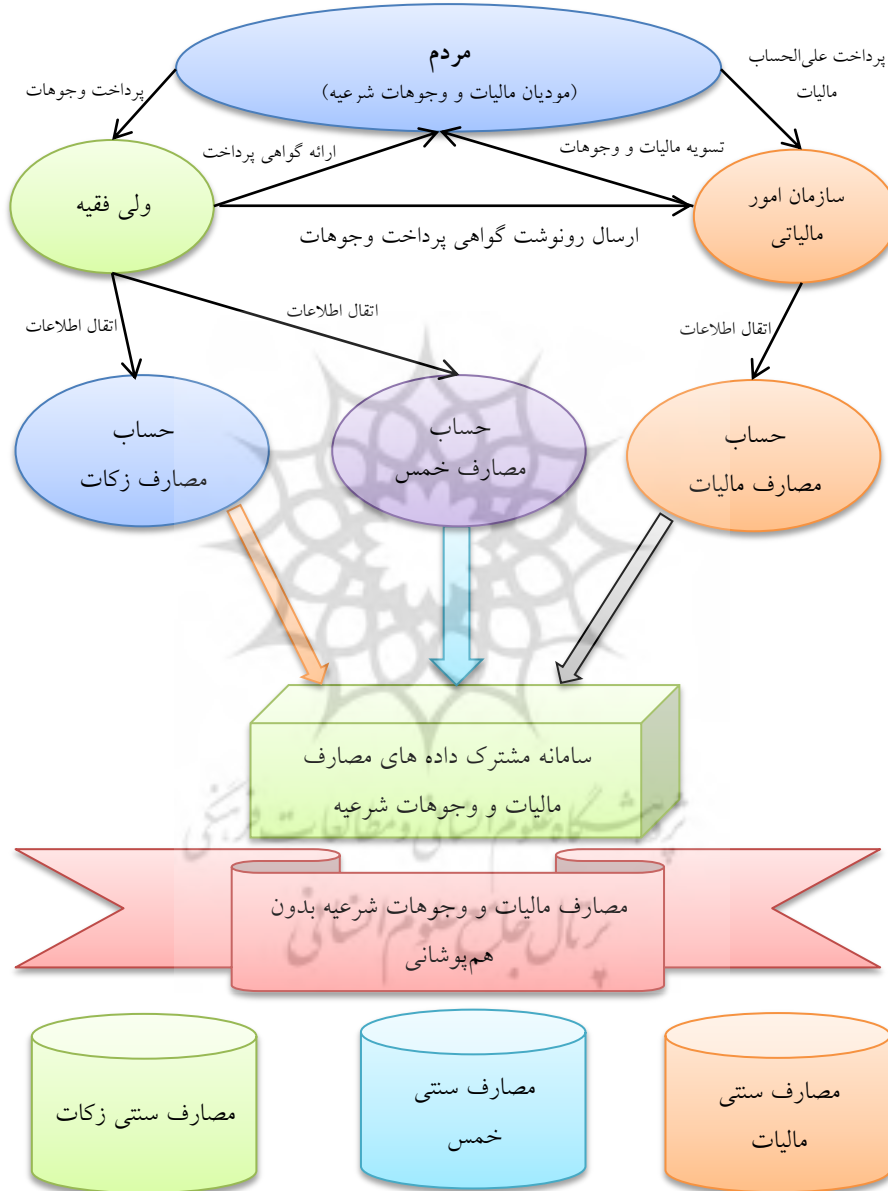
به عقیده بسیاری از فقها، با پذیرش ولایت فقیه در عصر غیبت، تردیدی نیست که فقیه حاکم، همان اختیاراتی را دارد که پیامبر(ص) در ایام حکومت داشت. یعنی همان‌گونه که در عصر حاکمیت پیامبر(ص) و علی(ع)، اختیار زکات و خمس، هم در جمع‌آوری و هم در هزینه کردن به عهده آن دو بزرگوار به عنوان حاکم و امام مسلمانان بوده است، فقیه حاکم نیز بنا به حکم اولی وظیفه دارد خمس و زکات را از مردم درخواست کند و آنها را در راه مصالح مسلمانان، برابر تشخیص خود، مصرف و هزینه کند. از این رو امام خمینی(ره) مبتنی بر این دیدگاه در کتاب ولایت فقیه می‌نویسد: «مالیات‌هایی که اسلام مقرر داشته و طرح بودجه‌ای که ریخته نشان می‌دهد تنها برای سد رمق فقرا و سادات فقیر و [روحانی] نیست؛ بلکه برای تشکیل حکومت و تأمین مخارج ضروری یک دولت بزرگ است. مثلاً «خمس» یکی از درآمدهای هنگفتی است که به بیت‌المال می‌ریزد، و یکی از اقلام بودجه را تشکیل می‌دهد. اگر حکومت اسلامی تحقق پیدا کند، باید با همین مالیات‌هایی که داریم، یعنی خمس و زکات و ... اداره شود. تعیین بودجه‌ای به این هنگفتی دلالت دارد بر این که منظور تشکیل حکومت و اداره کشور است. برای عمده‌حوایج مردم و انجام خدمات عمومی، اعم از بهداشتی و فرهنگی و دفاعی و عمرانی، قرار داده شده است. این به عهده متصدیان حکومت اسلامی است که چنین مالیات‌هایی را به اندازه و به تناسب و طبق مصلحت تعیین کرده؛ سپس جمع‌آوری کنند، و به مصرف مصالح مسلمین برسانند» (امام خمینی، ۱۴۲۳ق، صص ۳۲ و ۳۳). یا در سخنرانی خود در مورد نظام مالیاتی اسلام و تحقق آن در جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۳۰ خرداد ۱۳۵۸ در جمع وزیر و اعضای وزارت اقتصاد و دارایی چنین می‌فرماید: «و اگر یک روزی هم ان‌شاءالله توانستیم و توانستید که همان مالیات اسلامی را بگیریم و هیچ احتیاجی به چیز دیگری زاید (مثل مالیات) نداشته باشیم. همین خمس بسیار عادلانه است، برای اینکه این بقال سر محله به اندازه خودش

مالیات می‌دهد، آن آدمی هم که صاحب کارخانه‌های کذاست، آن هم به اندازه خودش مالیات می‌دهد. امید است که بشود» (امام خمینی، بی‌تا، ج ۸، صص ۲۳۴-۲۳۵).
با مشکلاتی که در مورد سناریوی اول مطرح است، لازم است که راهکار جدیدی در این زمینه مطرح گردد. در سناریوی دوم به دنبال این راهکار هستیم. طبق مدل بهینه پیشنهادی ما که به عنوان سناریوی دوم مطرح شد می‌توان ماده‌ای را به این مضمون در قانون مالیات‌های مستقیم الحاق کرد:

«مودی مشمول مالیات بر درآمد در زمان تحویل اظهارنامه مالیاتی خود به سازمان امور مالیاتی، مدارک مستند و مورد تأیید سازمان امور مالیاتی از پرداخت خمس به ولی فقیه در سال مالیاتی خود را ارائه می‌دهد. مالیات این فرد با احتساب خمس پرداخته شده در این سال مالیاتی محاسبه خواهد شد.»

در واقع نگاه ما در این سیستم جدید، نگاه حق‌الاماره بودن خمس است. با توجه به این توضیحات، هر فرد مسلمان مقید به پرداخت وجوهات شرعی، وجوهات خود را از طریقی که برای سازمان امور مالیاتی مستند باشد- برای مثال از طریق حساب بانکی- به ولی فقیه منتقل می‌کند. حال این ولی فقیه است که بر اساس نیازهای حوزه‌های علمیه و مراجع تقلید، وجوه مورد نیاز آنها را تأمین می‌کند و مازاد بر آن را در اختیار دولت قرار می‌دهد. وجوهات شرعی‌ای که از طریق این حساب بانکی به طور مستقیم به دست مراجع عظام تقلید می‌رسد، مسلم است که مصرفش به عهده مرجع تقلید و در راهی مصرف می‌شود که وی صلاح می‌داند. ممکن است که عده‌ای از افراد ایراد وارد کنند که در این صورت جایگاه مراجع تقلید تضعیف خواهد شد. در پاسخ باید گفت که چون بسیاری از مراجع تقلید اعتقاد به حق‌الاماره بودن خمس ندارند، صرفاً با اجازه ایشان است که مقلدین آنها می‌توانند خمس را به ولی فقیه بدهند. ضمن اینکه بسیاری از مقلدین آنها حتی پس از اجرای این سیستم باز هم می‌توانند به صورت مستقیم

خمسشان را به مرجع تقلیدشان بدهند و از آنجا که نیازهای حوزه‌های علمیه را ولی فقیه تأمین می‌کند چه بسا که به لحاظ مالی باعث تقویت مراجع نیز شود.



نمودار (۳): سناریوی دوم

در این صورت:

- ۱- دولت با کاهش درآمدهای مالیاتی مواجه نخواهد شد.
 - ۲- بسیاری از مردم که تا پیش از این به دلیل پرداخت مالیات از پرداخت خمس خودداری می‌کردند، به پرداخت خمس روی خواهند آورد.
 - ۳- استقلال حوزه‌های علمیه نیز حفظ خواهد شد. چرا که هم ولی فقیه و مرجع انتخاب و نظارت بر ولی فقیه یعنی مجلس خبرگان از درون حوزه‌های علمیه هستند.
 - ۴- بخشی از نیازهای حوزه‌های علمیه که تا پیش از این از طریق دولت تأمین می‌شد و باعث وابستگی حوزه به دولت شده بود در سیستم جدید از طریق ولی فقیه تأمین خواهد شد.
 - ۵- بسیاری از مشکلات مالی حوزه‌های علمیه نیز مرتفع خواهد شد.
 - ۶- حوزه‌های علمیه موظف خواهند شد که حساب‌های مالی دقیق و شفاف در مخارج خود ارائه نمایند.
 - ۷- در این سیستم، مرجع حکومتی و مرجع نخواهیم داشت.
 - ۸- از آنجا که بسیاری از مراجع تقلید خمس را حق‌الاماره نمی‌دانند، تنها در صورت اجازه ایشان است که خمس می‌تواند به ولی فقیه برسد و لذا قدرت مراجع تقلید کاهش نخواهد یافت و ضمن اینکه شرایطی مهیا می‌شود که قدرت ایشان افزایش هم یابد.
 - ۹- مصارف خمس نیز تا حد زیادی ضابطه‌مند خواهد شد.
- بخش مهمی از سیستم جدید به مسأله شامل یک نظام اطلاعاتی یکپارچه هم در حوزه مصرف و هم در حوزه جمع‌آوری وجوهات شرعی است و تنها با چنین سیستم‌هایی است که می‌توان کارایی نظام مالیاتی را بالا برد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

ساختار فعلی نظام مالیات‌های متعارف و اسلامی در ایران، سبب ایجاد ناهمگونی‌ها و ناهماهنگی‌هایی در حوزه اجرایی شده است که از جمله آنها می‌توان پرداخت‌های موازی و بعضاً چندگانه مالیات‌های متعارف و اسلامی توسط مردم، مخارج موازی و غیرهمانگ دولت و مراجع معظم تقلید، کم‌توجهی بخشی از جامعه به پرداخت وجوهات شرعی و بخشی دیگر به مالیات، غفلت از دو منبع مهم از مالیات‌های اسلامی یعنی زکات و خمس در تأمین بودجه کشور به منظور کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و غفلت از ظرفیت‌های فرهنگی جامعه به منظور کاهش فرار مالیاتی اشاره کرد. هدف اصلی این تحقیق پاسخ به این سؤال بود که سازوکار ورود خمس و زکات به نظام مالیاتی ایران، باید از چه الگویی پیروی نماید تا ناهمگونی‌ها و ناسازگاری‌های موجود در ساختار فعلی را مرتفع سازد؟

در این تحقیق ضمن ارائه تصویری روشن از ظرفیت مناسب و قابل قبول خمس و زکات در ایران و با تکیه بر برخی از مبانی فقهی و فلسفی مالیات‌های اسلامی، سازوکاری را طراحی نمودیم اولاً ساختاری منسجم، یکپارچه و سازگار برای نظام مالیات‌های اسلامی و متعارف ایجاد نماید، ثانیاً به واسطه این ساختار، مشکلات مربوط به ساختار فعلی را مرتفع نماید.

برای ارائه چنین الگویی آسیب‌شناسی نظام مالیاتی، خمس و زکات در ایران و نقد سیستم به صورت عمومی از محورهای اصلی بحثی بودند که در ادامه مطرح گردید. در آنجا هر یک از نظام‌های مالیاتی، خمس و زکات را به صورت مجزا مورد بررسی قراردادیم و در ادامه با نگاهی از بالا به مجموعه نظام مالیات‌های اسلامی و متعارف آن را مورد نقد و بررسی قراردادیم.

بر اساس یافته‌های این تحقیق به این نتیجه رسیدیم که لازم است ماده‌ای را به این مضمون در قانون مالیات‌های مستقیم الحاق کرد تا بر اساس آن مشکلات موجود در حوزه اجرایی مالیات‌های اسلامی و متعارف برطرف گردد:

«مودی مشمول مالیات بر درآمد در زمان تحویل اظهارنامه مالیاتی خود به سازمان امور مالیاتی، مدارک مستند و مورد تأیید سازمان امور مالیاتی از پرداخت خمس به ولی فقیه در سال مالیاتی خود را ارائه می‌دهد. مالیات این فرد با احتساب خمس پرداخته شده در این سال مالیاتی محاسبه خواهد شد.»

در واقع نگاه ما در این سیستم جدید، نگاه حق‌الاماره بودن خمس و زکات است که در پیش فرض‌های فقهی این تحقیق بدان پرداختیم. با توجه به این توضیحات، هر فرد مسلمان مقید به پرداخت وجوهات شرعی، وجوهات خود را از طریقی که برای سازمان امور مالیاتی مستند باشد- برای مثال از طریق حساب بانکی- به ولی فقیه منتقل می‌کنند. حال این ولی فقیه است که بر اساس نیازهای حوزه‌های علمیه و مراجع تقلید، وجوه مورد نیاز آن‌ها را تأمین می‌کند و مازاد بر آن را در اختیار دولت قرار می‌دهد. وجوهات شرعی‌ای که از طریق این حساب بانکی به طور مستقیم به دست مراجع عظام تقلید می‌رسد، مسلم است که مصرفش به عهده مرجع تقلید و در راهی مصرف می‌شود که وی صلاح می‌داند. ممکن است که عده‌ای از افراد ایراد کنند که در این صورت جایگاه مراجع تقلید تضعیف خواهد شد. در پاسخ باید گفت که چون بسیاری از مراجع تقلید اعتقاد به حق‌الاماره بودن خمس ندارند، صرفاً با اجازه ایشان است که مقلدین آنها می‌توانند خمس را به ولی فقیه بدهند. ضمن اینکه بسیاری از مقلدین آنها حتی پس از اجرای این سیستم باز هم می‌توانند به صورت مستقیم خمسشان را به مرجع تقلیدشان بدهند و اگر مرجع تقلید اجازه ندهد موظف به پرداخت خمس به ایشان هستند و از آنجا که نیازهای حوزه‌های علمیه را ولی فقیه تأمین می‌کند چه بسا که به لحاظ مالی باعث تقویت مراجع نیز شود. در این صورت و با توجه به الگوی فوق

مشکلات بسیاری که در ساختار فعلی نظام مالیات‌های اسلامی و متعارف وجود دارد، برطرف خواهد شد.

یادداشت‌ها

۱. این مقاله از پروژه‌ای با عنوان «بررسی اثرات خمس و زکات بر رفع فقر و طراحی سازوکار پیاده‌سازی خمس و زکات در نظام مالیاتی و نحوه بازتوزیع آن با تأکید بر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» استخراج شده است که با حمایت «مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی» انجام پذیرفته است.

۲. شعبانی، ۱۳۹۲.

۳. درس خارج فقه معظم له، بهمن ماه ۱۳۸۹.

۴. عسکری، رئیس سازمان امور مالیاتی، خبرگزاری فارس، ۲۶ بهمن ۱۳۹۱.

۵. عسکری، رئیس سازمان امور مالیاتی، خبرگزاری فارس، ۲۶ بهمن ۱۳۹۱.

۶. رجوع کنید به رضایی، مجید، مالیات‌های حکومتی؛ مشروعیت یا عدم مشروعیت؟ نامه مفید، شماره ۳۵.

۷. جهت آگاهی بیشتر به شعبانی، ۱۳۸۹ مراجعه نمایید.

۸. کاشیان، ۱۳۸۸.

۹. اسماعیل‌پور، ۱۳۸۹.

۱۰. قانون زکات جمهوری اسلامی ایران.

۱۱. کاشیان، ۱۳۸۹.

۱۲. همان.

۱۳. مطالب مطرح شده در همایش همگرایی مالیات‌های اسلامی و متعارف (۱۳۹۱) دانشگاه مفید و نیز مقاله موحدی و رضایی (۱۳۹۱) دال بر همین موضوع است.

کتابنامه

اسماعیل‌پور دره، مهدی (۱۳۸۷)، «الگوی مناسب مؤسسات مالی زکات در جمهوری اسلامی ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

المجلسی، الشیخ محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، الجامعة لدرر اخبار الائمه الاطهار، جلد ۹۳، کتاب الزکاة، بیروت: مؤسسه الوفاء، الطبعة الثانية.

ثامنی کیوانی، فرشاد (۱۳۷۷)، «محاسبه ظرفیت بالقوه زکات در اقتصاد ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹)، مالیات‌های حکومتی از دیدگاه فقه، نظام مالی اسلام، (مجموعه مقالات)، به اهتمام احمدعلی یوسفی، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

زمانی‌فر، حسین (۱۳۸۲)، «ارزیابی توان فقرزدایی زکات در برخی از استان‌های منتخب»، تهران: پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران.

شعبانی، احمد و عبدالمحمد کاشیان (۱۳۸۹)، «اثر بازتوزیعی خمس و زکات بالقوه بر کاهش فقر و ایجاد برابری»، قم: همایش همگرایی مالیات‌های متعارف و اسلامی.

صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین ابن بابویه القمی (۱۴۰۸ق)، علل الشرایع، بیروت: مؤسسه الاعلمی، الطبعة الاولى، الجزء الثاني، ص ۶۸.

صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین ابن بابویه القمی (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه، الجزء الثاني، کتاب الزکاة، تحقیق العلامة الشیخ محمدجواد الفقیه، بیروت: دار الاضواء، الطبعة الثانية.

عسکری، محمدمهدی (۱۳۸۴)، تحلیل نظری زکات، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
قرائتی، محسن (۱۳۹۱)، خمس و زکات، تهران: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت (ع).
کاشیان، عبدالمحمد (۱۳۸۹)، «آزمون بسندگی زکات و خمس در تأمین حداقل معیشت خانوارهای نیازمند در اقتصاد ایران طی سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۸۷»، معرفت اقتصادی، شماره ۳.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲)، الکافی، جلد ۵، تصحیح علی‌اکبر الغفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

کیاء‌الحسینی، سیدضیاء‌الدین و علی باقری (۱۳۸۰)، تأمین اجتماعی در ایران با تکیه بر منابع مالی اسلامی، قم: دانشگاه مفید.

- کیاء الحسینی، سید ضیاءالدین (۱۳۸۰)، «برآورد خمس ارباح مکاسب»، تأمین اجتماعی، شماره ۲.
- کیاء الحسینی، سید ضیاءالدین و اسماعیل ملکش (۱۳۸۱)، «نقش زکات در امحاء فقر غذایی کشور (مطالعه موردی ۷۹-۱۳۷۰)»، اقتصاد اسلامی، شماره ۳۱.
- کیاء الحسینی، سید ضیاءالدین (۱۳۹۰)، «ملاحظات پیرامون پیاده‌سازی مالیات‌های اسلامی»، پژوهشنامه مالیات، شماره ۱۱.
- موحدی، مهدی و محمدجواد رضایی (۱۳۹۱)، «ارتباط وجوهات شرعی و مالیات‌های حکومتی در الگوی پیشرفت اسلامی- ایرانی؛ دلالت‌هایی برای حل پرداخت‌های دوسویه»، پژوهشنامه مالیات، شماره ۵۹.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (الف) (۱۳۷۹)، تحریر الوسیله، کتاب الزکوٰه، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار الامام الخمینی، المجلد الاول، صص ۲۹۴-۳۳۰.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (ب)، رساله توضیح المسائل.
- مؤمن، محمد (۱۳۷۹)، رابطه خمس و زکات و مالیات‌های حکومتی (مجموعه مقالات نظام مالی اسلام)، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، جلد اول.

**Designing the Mechanism of Khums and Zakat entry into
the Tax System in Iran and its Economic Effects**

*Ahmad Shabani **

Received: 07/03/2014

*Abdol Mohammad Kashiyani ***

Accepted: 01/20/2016

The existing structure of Islamic and conventional taxes in Iran, has been caused different disparities and inconsistencies in practice: The parallel and sometimes multiple payment of Islamic and conventional taxes by individual; parallel and sometimes uncoordinated expenditures of taxes by government and Maraje; Zakat, Khums and taxes evasion; ignoring the two sources of the Islamic taxes (Zakat and Khums) to reduce oil revenues dependency and finally ignoring the cultural aspect of Islamic taxes to reduce tax evasion are the most important part of disparities.

The main purpose of this research is to answer this question: how to design the mechanism of Khums and Zakat entry to the tax regime in Iran and overcome the inconsistency and disparities in existing structure? In Fact this research give a clear image of potential capacity of Khums and Zakat in Iran and use philosophical and Jurisprudential principals of Islamic Taxes to design a mechanism that firstly create an integrated, coherent and consistent structure, and secondly overcome the problems with the existing structure . The mechanism is presented in this research as a structure.

Keywords: Tax, Khoms, Zakah, Integration

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

* Associate Professor, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadiq University (Corresponding Author), ashksadeq@yahoo.com

** PhD. Candidate in Economics, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadiq University, a.m.kashian@gmail.com